

عوامل مؤثر در پدید آمدن استمرار نثر فنی و مصنوع



در این گفتار تلاش بر آن است تا برخی از مهم‌ترین جریانات و عواملی که در ظهور و استمرار نثر فنی و مصنوع دخالت داشته‌اند بررسی و تحلیل شوند و زوایای غالباً ناشناخته و متروک این تحولات زبانی به اطلاع علاقه‌مندان زبان و ادب فارسی برسد.

۱. نقش منشیان و مترسلان

ذبیح‌الله صفا می‌گوید: «تمایل به نثر فنی از مترسلان و دبیران آغاز می‌شود (صفا، ۱۳۵۳: ۳۹). با بررسی اکثر آثار فنی، حقیقت این سخن ثابت می‌گردد که غالب فنی نگاران از بین طبقه‌ی منشیان و مترسلان جامعه بوده‌اند و بیش از همه در پرداختن سخن به این شیوه رغبت نشان داده‌اند. چنان‌که به دلیل تأثیر و نقش اساسی آنان در ظهور نثر فنی فارسی، این نوع سخن را نثر مترسلانه نیز می‌نامند. نخستین نمونه‌های نثر مصنوع عربی، ابتدا توسط منشیان در رسایل و مکاتبات به دربار راه جسته و سپس از طریق آنان به نثر عمومی راه یافته است. تألیف کتاب‌هایی مفصل در زمینه‌ی ترسل و نامه‌نگاری در دوره‌های مختلف و ترویج شیوه‌های ادیبانه‌ی کتابت، همواره مورد توجه دبیران بوده است و نشانگر مقبولیت این گونه سخنان در بین طبقه‌ی نویسندگان تازه‌کار. برای مثال، نمونه‌هایی چون عتبه‌الکتابه‌ی منتجب‌الدین جوینی، منشآت خاقانی و منشأ الانشاء نظام‌الدین عبدالواسع نظامی و التوسل الی التوسل مجدالدین بغدادی، همگی در جهت تحقق این هدف بوده‌اند.

منشیان به دلیل احاطه داشتن به زبان و ادبیات و هم‌چنین آگاهی داشتن از علوم و فنون مختلف و سابقه‌ی آشنایی با شیوه‌های ترسل عرب، خالق آثار فنی و مصنوع ارزشمندی در زمینه‌های مختلف سخن شده‌اند. بسیاری از آنان، خود نیز طبع شعری و قریحه‌ای لطیف داشته‌اند. همین امر و اطلاع از دقایق و رموز شاعری سبب شده است که آثار آنان از احساسات، عناصر و جلوه‌های شاعرانه سرشار گردد. ابزار کار منشیان زبان است. از این‌رو در جهت تحقق اهداف خود، نهایت استفاده را از آن به شیوه‌های مختلف می‌برند. اینان به‌منظور اظهار فضل و نشان دادن مهارت خویش، توانایی‌های علمی و ادبی خود را در ترسلات و مکتوبات به شیوه‌ای مورد پسند در معرض دید دیگران قرار می‌دهند. بهاء‌الدین بغدادی، نصرالله منشی، منتجب‌الدین جوینی، ظهیری سمرقندی، و صاف الحضرة و سایرین از جمله‌ی این مترسلان و دبیران بوده‌اند که بخش اعظمی از تاریخ نثر فنی و مصنوع فارسی مرهون نام و آثار آنان است.

۲. نفوذ زبان و ادبیات عرب

نثر عربی از اواسط قرن چهارم سبک مرسل را رها می‌کند و به جانب تصنع و تزئین سوق می‌یابد. در فرآیند تحول و دگرگونی این زبان، ادیبانی عرب‌زبان با اصالت ایرانی، چون ابن عمید و عبدالحمید، نقشی مهم و اساسی را ایفا می‌کنند. اینان با اندوخته‌ای که از میراث ادبی ساسانی و تسلطی که بر فنون زبان و شیوه‌های گوناگون

چکیده

نثر فنی و مصنوع فارسی با شگردها و ظرافت‌های خاص خود معلول عوامل متعددی است که غالباً هنگام بررسی این نوع نثر، به آن‌ها پرداخته نمی‌شود یا اگر مطرح می‌شوند ناقص و ناکافی‌اند و خوانندگان کنجکاو و علاقه‌مندان به زبان و ادب فارسی را اقناع نمی‌کند. نگارنده با درک چنین ضرورتی به معرفی دلایل ظهور و رواج طبقه‌ی مذکور پرداخته است.

کلواژه‌ها

ادبیات عرب، نثر فنی، نثر مصنوع، آرایه‌های ادبی، منشی، مخاطب

فراصرز امیری
کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی
و دبیر ادبیات فارسی و بیروستان‌های
منطقه‌ی خمیل کرمانشاه

سخن‌پردازی داشتند، بنیان‌گذار شیوه‌ای نو در ادب عربی شدند، که بعد از گذشت دو قرن مورد اقتباس ادبای ایرانی در زبان فارسی قرار گرفت.

در ایران از قرن چهارم به بعد، مدارس دینی توسعه‌ی بیش‌تری یافتند. زبان مورد تدریس در این مدارس عربی بود. به همین جهت طالبان علم ناگزیر بودند آثار منشور و منظوم عربی را مطالعه کنند. در کنار این عوامل، تألیف کتاب‌های متعدد به زبان عربی در مورد علوم بلاغی، به‌ویژه اعجاز قرآن مجید و مشاهده‌ی زیبایی‌های سخن عرب، سبب حیرت و جذب ایرانیان شد و در برانگیختن آنان به نظیره‌گویی و اقتباس شیوه‌های نویسندگی عرب تأثیر به‌سزایی داشت. با توجه به این سخنان، یکی از شرایط اولیه‌ی منشی‌گری آموختن زبان و ادبیات عرب بود، تا جایی که مطابق این سخن: «هرکس

است» (پور نامداریان، ۱۳۸۱: ۳۰). از این‌رو، یکی از اهداف نویسنده‌ی مصنوع نگار از تألیف چنین آثاری مراعات پسند و سلیقه‌ی مخاطبانی ویژه است که عموماً از بین طبقه‌ی خواص و درباریان و فضلالی جامعه و از خریداران مشتاق این قبیل سخنان بوده است که عموماً از بین طبقه‌ی خواص و درباریان و فضلالی جامعه از خریداران مشتاق این قبیل سخنان بوده‌اند. بنابراین، نویسنده‌ی با اطلاع از این واقعیت و به پیروی از سنت مرسوم، به گزینش سبکی تجملی دست می‌زد و نثر خود را در بند آرایش‌های گوناگون و عاریتی در می‌آورد. تألیف یا ترجمه و بازنویسی کتب فراوانی به شیوه‌ی مذکور در این دوره به سفارش ارباب قدرت و ثروت مؤید رواج و پذیرش و مقبولیت این شیوه در میان آنان است.

۴. تأثیرپذیری از شعر و اغراض شعری

می‌دانیم که زیباترین و هنرمندانه‌ترین نثرها، آن‌هایی هستند که زبان و بیانی شاعرانه دارند. چرا که شعر نبط عالی کلام است و اوج هنر زبانی؛ و نثر در همگامی و همراهی با شعر است و از عهده‌ی این عهد ملکوتی بر می‌آید. نویسنده‌ی صاحب ذوق به خوبی از تأثیر شعر آگاه است و می‌داند که تا نثر از زبان شعر شعله نکشد بر کنار از این تأثیر است. نویسنده‌ی ادیب و لطیف طبع بر اثر ممارست و آشنایی با آثار شعری، که در این سال‌ها شمار زیادی از آن‌ها به عرصه‌ی ظهور رسیده‌اند، از عوامل برانگیزاننده و مهیج کلام شعری آگاهی دارد.

این عوامل که از آن‌ها تحت عنوان آرایه‌ها، صنایع ادبی و صور خیال نام برده می‌شود، از مهم‌ترین دستاویزهای شاعر در جهت تصویرسازی‌های زیبا و رنگین است. از این‌رو، چیزی که یک شاعر و یا نویسنده‌ی ادبی در پی آن است، سخن لطیف و ادیبانه است که در پرتو این عناصر ظاهر و خلق می‌گردد. در نثر نیز نویسنده با اطلاع کامل از قدرت و جادوی شعر، سعی در جذب و اقتباس عناصر آن دارد و تلاش می‌کند تا با شایسته‌ترین صورت، سخن خود را شاعرانه یا شعرگونه به رشته‌ی تحریر درآورد.

گذشته از این‌ها، باید توجه داشت که سابقه‌ی ذهنی و عادات ادبی نویسندگان مبدع و شعرگرا نیز در آفرینش اثری شاعرانه بی‌تأثیر نیست. برای مثال، نویسنده‌ای که مدام با دیوان‌های شعری و سخنان منظوم سروکار دارد، نوعی عادت وزنی در وی به‌وجود می‌آید، که سبب می‌گردد خواسته یا ناخواسته کلامش را با استفاده از فنون مختلف موسیقایی یا قافیه‌های درونی، آهنگین سازد. خلاصه‌ی کلام این‌که وجود اشعار فراوان در ضمن نثر، به منظور تکمیل یا تأکید و زیبایی سخن، حکایت‌گر قبول اندیشه‌ی برتری شعر و قوت تأثیر آن در سخن از سوی نویسندگان مصنوع نگار است. بسیاری از آن اشعار حاصل تراوش طبیعی و ذوقی خود نویسنده است، که بر استعداد و

نخستین نمونه‌های نثر مصنوع عربی، ابتدا توسط منشیان در رسایل و مکاتبات به دربار راه بسته و سپس از طریق آنان به نثر عمومی راه یافته است

اندیشه‌ی آموختن ترسل و انشا می‌کرد می‌بایست نمونه‌های مشهوری از آن آثار را بخواند، تا در کار خود مهارت یابد» (صفا، ۱۳۷۱: ۸۸۵).

از این‌رو شیوه‌ای که نثر نویسان عرب پی‌ریزی کرده بودند در خلق آثار فنی فارسی نقش قابل ملاحظه پیدا کرد. عواقب این تقلید و اقتباس، گذشته از صنعت‌پردازی، ورود واژه‌ها و اصطلاحات فراوان عربی در سخن فارسی است که آن را به‌صورت یکی از مشخصه‌های اصلی این نوع نثر در آورد.

۳. خریداران و مخاطبان نثر

می‌دانیم که لازمه‌ی هر نوع سخن گفتنی، وجود مخاطب یا مخاطبانی حاضر یا غایب است که روی سخن با آنان است. از طرفی مخاطبان نیز از لحاظ دانش و معلومات و توانایی‌های ذهنی و هنری و حال و مقام و منزلت در یک سطح نیستند. بنابراین، مخاطب تأثیری عمیق بر ویژگی‌های سخن گفتن نویسنده و سخن‌گو دارد و سبب می‌گردد تا نویسنده یا شاعر زمینه‌ی معنایی و شیوه‌ی بیان خود را مطابق با ظرفیت‌های موجود وی تعیین کند. هم‌چنین، به این حقیقت نیز واقف هستیم که سخنی که روی آن با فضلا و ادبا و علماست، با سخنی که برای مردم ساده‌پسند و عوام گفته می‌شود، تفاوتی چشم‌گیر دارد. این جریان همواره در طول تاریخ ادبی و علمی کشور ما سبب ساز تغییر سبک‌ها نیز بوده است. چنان‌که اعتقاد بر این است که: «تفاوت‌های سبکی مدیون تغییر مخاطبان

آگاهی نویسنده از رموز شاعری و دخالت وی در حوزه‌ی نثر حکایت می‌کند.

۵. پیروی از سنت‌های مرسوم و مقتضیات زمان

قرن ششم دوره‌ی رواج بازار کالاهای ادبی مزین و پرآرایه در هر دو زمینه‌ی نظم و نثر بود. تا جایی که به اعتباری: «هر اندازه زیبایی بیرونی و نمای سخن خریدار داشت، درون‌مایه و محتوای کلام بی‌خردار بود» (انزایی‌نژاد، ۱۳۷۲: ۱۳).

نویسنده و شاعر تحت تأثیر فضای حاکم بر جامعه و در پی کسادی شیوه‌ی مرسوم گذشته، به منظور رونق کار خود، در پی خلق اثری مورد پسند و سلیقه مشتریان خود بود. بر این اساس به تبعیت از سنت رایج، کالای خود را مزین به انواع تزیینات و تفتنات لازم و غیرلازم می‌نمود. تغییر الگوهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و... سبب تغییر ذائقه‌ی ادبی و ظهور الگوهای جدیدی در حوزه‌ی زبان شده بود. از این‌رو، نویسنده خواه ناخواه در مسیر تجدد و متابعت از شیوه‌ی رایج کشیده شد. در کنار این عوامل، شیوع رقابت ادبی بین صاحبان قلم بر دامنه‌ی این سخن‌پردازی‌ها افزود و سبب شد تا تقلید از سخنان یکدیگر در سطحی وسیع گسترش یابد. دامنه‌ی این تقلید به حدی ادامه یافت که غالب آثاری که در دوره‌های بعد پدید آمد، جز برخی تفاوت‌ها در زمینه‌های صنعت‌پردازی، کلیت و اساس کار آن‌ها مطابق نمونه‌های بارز پیشین بود. برای مثال، بعد از و صاف، شیوه‌ی تازه در زمینه‌ی نثر فنی پدید نیامد و سبک و سیاق او تا قرن چهارده تنها الگوی مقبول و بهترین نمونه‌ی سخن‌دانی بود.

۶. تأثیر ترجمه و بازنویسی

عامل دیگر روی آوردن ادبا به ترجمه‌ی بعضی از کتاب‌ها از زبان عربی یا پهلوی به فارسی بود. از آنجایی که مترجمان این کتاب‌ها خود نقش چندانی در خلق و آفرینش کتاب نداشتند کوشیدند تا با واژه‌پردازی و صنعت‌آوری، هنر و فضیلت خود را به نمایش بگذارند. کار بازنویسی کتاب‌های ساده‌ی گذشته نیز عمدتاً به سفارش طبقه‌ی حاکم صورت می‌گرفت. نویسندگان در این دوره در جهت تحقق این خواست و سفارش‌ها، بر تن کتاب‌های ساده حلیه‌ای از زیورهای مختلف ادبی کشیدند. چنان‌که امثال نصرالله منشی و ظهیری سمرقندی و ابونصر عتبی و محمدبن غازی ملطیوی و... از جمله‌ی این مهندسان بودند که در تهذیب، تزیین و آرایش کتاب‌های ساده آثاری از خود به یادگار گذاشته‌اند.

۷. لزوم القایی شدن نثر

آدمی در کشاکش زندگی و در شرایط و احوال مختلف، تحت تأثیر احساسات و هیجانات روحی مختلف قرار می‌گیرد. بیان این انفعالات نفسانی و انتقال آن‌ها به دیگران با زبان و کلماتی

عادی که مفاهیم کلی و مشترک دارند، اغلب بسیار دشوار و گاهی محال است. به همین جهت بیان و القای تأثرات با خیال و صورت‌های گوناگون زبان شعری توأم می‌گردد تا به زبان عادی و طبیعی قدرت ابراز مفاهیم احساسی و غیرکلی داده شود. بنابراین، تجربه‌های شاعرانه نیازمند زبانی ویژه هستند و نمی‌توان آن‌ها را با زبان و بیانی دیگر ابراز کرد.

استاد زرین‌کوب در مورد تأثیر زبان شعر و القای احساسات توسط آن مثال زیبایی می‌آورد و می‌گوید: «اگر کسی در کنار بخاری نشسته و شعری را مطالعه می‌کند که کمال اسمعیل در وصف برف سروده است، بسا که گویی نیش گزنده‌ی سرما را در مغز استخوان خویش حس می‌کند. این جاست که حس شاعر از طریق القای به‌غیر منتقل می‌شود و بی‌آن که برف و سرمای وی را متأثر کند خیال سرما در وی تأثیر می‌کند»

(زرین‌کوب، ۱۳۵۵: ۱۰۴). از این‌رو، هرگاه نویسنده‌ی ادیب بخواهد خواننده را در احساس خود شریک کند و در وی تأثیر بگذارد و حالتی پدید آورد، ناگزیر به قلمرو شعر پا می‌گذارد و زبان آن را بر می‌گزیند و به این ترتیب برای احساسات زیبای خود طریقی زیبا انتخاب می‌کند. از این‌روست که می‌گویند: «امکان ندارد که عواطف در هر زبان بدون زبان بلاغی و بدیعی مطرح گردد»

(ابو محبوب، ۱۳۷۴: ۲۳۶). این زبان از ابزار و وسایلی بهره می‌برد که مختص آن است. بر این اساس در میان نویسندگان فنی و نثرهای شاعرانه همواره کسانی نیز وجود داشته‌اند که فارغ از فضل‌فروشی‌های مرسوم، هرگاه تحت تأثیر واقعه‌ای یا جریان‌ی یا تحت تأثیر شخصیت مورد علاقه‌ای قرار گرفته‌اند، احساسات واقعی خود را با مؤثرترین و جذاب‌ترین بیان در اثر خویش منعکس کرده‌اند. سوز و ناله‌ای که از قلم محمد زیدری در فرجام کار جلال‌الدین منکبرنی شعله می‌کشد و تأثر و اندوه عطا ملک جوینی در واقعه‌ی بهار خونین بخارا و شیفتگی و جذبه‌ی عشق حق در شطحیات روزبهان، و تغزلات زیبای ظهیری سمرقندی

امکان ندارد که عواطف در هر زبان بدون زبان بلاغی و بدیعی مطرح گردد

قاضی حمیدالدین و مدایح زیبای شاعرانه‌ی راوندی و عتبی همگی نشانگر این حقیقت است که عواطف اصیل، زبانی لطیف و شاعرانه و مجازی می‌طلبند، که با نبود آن هیچ سخن شاعرانه‌ای رنگ هستی به خود نمی‌گیرد.

نکته‌ی آخر درباره‌ی موضوع این است که اگر قصد داشته باشیم نثر فنی فارسی را با مکتب‌های ادبی غرب مقایسه کنیم، شاید بتوان نمونه‌هایی از آن را با آثار مکتب سمبولیسم و طرفداران آن سنجید. در مورد پیروان این مکتب گفته شده است

که اینان حالات روحی را با آزادی کامل و موسیقی کلمات و با آهنگ و رنگ و هیجان به مدد احساس و تخیل تصویر می‌کردند (کزازی، ۱۳۶۸: ۶۵).

پس، از این بحث می‌توان به این نتیجه رسید که احساسات و عواطف نویسندگان فنی در خلق تصویرهای شاعرانه با کمک زبان شعر در روند شکل‌گیری این جریان مؤثر بوده است.

تفاوت‌های سبکی مدیون تغییر مخاطبان است

۸. عوامل سیاسی در شکل‌گیری نثر فنی

یکی از ویژگی‌های حکومت‌های خودکامه، نداشتن آزادی بیان و انتقادپذیر است. در چنین نظام‌هایی قشر فرهیخته و آگاه جامعه برای ابلاغ پیام و بیان اعتراضات خود ناگزیر به شیوه‌های گوناگونی متوسل می‌شدند، زیرا انتقاد صریح از حاکمان مستبد همواره عواقب سوئی به همراه داشت.

بنابراین، نویسندگان در دوره‌های مختلف انتقادات و چاره‌جویی‌های اصلاح‌گرایانه‌ی خود را در قالب‌های مختلفی چون طنز، تمثیل، فابل و... بازگو می‌کردند. یکی از این انواع سخن‌پردازی‌های ادبی گزینش فابل‌ها یا قصه‌های مربوط به حیوانات است. نویسنده از این طریق اندیشه‌ها و مقاصد خود را به شیوه‌ای غیرمستقیم از زبان حیوانات یا گیاهان و اشیاء بیان می‌کند. این نوع رایج، همواره در تغییر الگوهای رفتاری و سیاسی و به‌طور کلی در بایست‌ها و نبایست‌ها عامل مؤثری بوده است. در زبان فارسی نیز نویسندگان با اطلاع از ویژگی‌های روحی و اخلاقی حکام، آثار ارزشمندی چون کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه و روضه‌العقول و... را به شیوه‌ی مذکور پدید آوردند. این کار گذشته از جذابیتی که در پی داشت سبب می‌گردید تا ملال خاطر حکام در برابر پرتو زیبایی سخن آشکار نشود و لحن استعاری آن در دفع تهمت مؤثر گردد. چرا که شاعرانگی کلام در نثر فنی، که با سجع و استعاره‌پردازی و توصیف و... همراه می‌شود، در بسیاری از اوقات محتوا و درون‌مایه‌ی نهفته در موضوع را با نوع بیان کنایی و کتمان‌گرایانه همراه می‌کند. در نتیجه درک مقصود گوینده به تعمق‌ورزی نیاز دارد و از این‌رو احتمال دریافت سریع آن به‌وسیله‌ی دیوانیان و درباریان به سادگی امکان‌پذیر نمی‌شود.

لذا از قرن ششم به بعد شاهد هستیم که چگونه نثر فارسی هرگاه به جانب ادبیات روایی، به ویژه قصه و حکایت تمایل می‌یابد، نویسنده‌ی هنرمند، نهایت هنر خود را در تزیین و آراستن آن به انواع آرایه‌های ادبی به کار می‌گیرد و با کمک آن‌ها طعم تلخ انتقاد و نصیحت را با پاشنی شیرین و زیبای سخن شاعرانه از بین می‌برد.

۹. اشباع نثر ساده و لزوم تغییر سبک

آدمی در طول حیات و بنا به فطرت طبیعی خود، مدام خواهان تحول و نوآوری در شیوه‌های زندگی، مناسبات اجتماعی، جریان‌های سیاسی و اقتصادی و نگرش‌ها و اعتقادات خویش است. این عامل ریشه در این باور دارد که هر چیزی، حتی بهترین نوع آن، اگر برایمان عادی و تکراری گردد، زیبایی آن را درنخواهیم یافت و جذابیت و اهمیت خود را از دست می‌دهد. در این صورت است که تغییر به‌وجود می‌آید.

در حوزه‌ی هنر نیز این نگرش‌های جدید سبب ظهور شیوه‌هایی جدید گردیده است تا حس و روحیه‌ی کنجکاو هنرمند را در برهه‌ای از زمان اقیانوس و اشباع کند. البته در کنار این جریان همواره عده‌ای نیز بوده‌اند که، بنا بر اعتقادات خود یا به سبب پاره‌ای از مقتضیات، طرفدار روش پیشین مانده‌اند. اما همواره طیف گسترده‌ی نوگرایان از شیوه‌های قبلی دچار ملامت می‌شوند و خواهان الگویی نو هستند.

نثر فارسی نیز مبرا از این تحولات و دگرگونی‌ها نبوده است. زبان نثر مرسل طی دو قرن به سبب طرح ساده و تکراری آن جنبه‌ی روزمرگی پیدا کرده و فاقد جذابیت و گیرایی و

نویسندگان در حکومت‌های خودکامه، انتقادات و چاره‌جویی‌های اصلاح‌گرایانه‌ی خود را در قالب‌های مختلفی چون طنز، تمثیل، فابل و... بازگو می‌کردند

برجستگی لازم شده بود. این عامل سبب شد که در میان قشر وسیعی از فضلاء جامعه، نثر مرسل کم‌کم اهمیت خود را از دست بدهد. لذا، نثر نیازمند تغییر و تحولی اساسی بود تا بار دیگر جذابیت و گیرایی لازم را به‌دست آورد. بر این اساس، نخستین نشانه‌های تغییر در جهت ارضای حس زیبایی‌خواهی متوجه زبان و معانی آن شد و از طریق توسعه بخشیدن به دایره‌ی اغراض و صنایع و استعمال آن در موضوعات و معانی جدید، آن را بر بنیاد و شیوه‌های متفاوت با گذشته پیریزی کردند.

منابع

۱. ابو محبوب، احمد، کالبدشناسی نثر، تهران، نشر زیتون، ۱۳۷۴. ۲۰. بلخی، حمیدالدین ابوبکر، مقامات حمیدی، تصحیح رضا انزلی‌نژاد، چ ۲، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲. ۳. پورنامداریان، تقی، در سایه‌ی آفتاب، تهران، نشر سخن، ۱۳۸۰. ۴. زرین کوب، عبدالحسین، شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب، چ ۲، تهران، نشر علمی، ۱۳۵۵. ۵. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، چ ۲، ۸، تهران، نشر فردوس، ۱۳۷۱. ۶. گنجینه‌ی سخن، چ ۱، ۳، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳. ۷. ضیف، شوقی، تاریخ ادبی عرب و عصر جاهلی، ترجمه‌ی علی‌رضا ذکواتی قراگزلو، چ ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱. ۸. کزازی، میرجلال‌الدین، دُر دریای دری، چ ۲، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۸. ۹. نیک‌منش، مهدی، تجلی مقامه‌نویسی در بوستان، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره‌ی ۱۴۴، ۱۳۸۳.